



• یک‌شنبه۱۶ آبان ۱۳۹۷ • شماره ۱۱۷۳

حدیث‌روز

امام جواد(ع): هر که از آفریدگار فرمان‌برد، از خشم آفریدگان پروا ندارد.

تحف‌العقول

ذکر روز یک‌شنبه
صد مرتبه «یا ذا‌الجلال‌والاکرام»

در محضر بزرگان

رهنمودی برای ژان‌اربعین حسینی(ع)

حضرت آیت ... سیستانی در پاسخ به پرسشی که نظر ایشان را برای بهره‌افزون‌ترو پادش بیشتر از زیارت اربعین جویا شده اند، فرموده‌اند:

«... خداوند مؤمنان را از آن رو به زیارت مشاهد متبر که ایشان [اوصیای خدا] تشویق نموده است که پادشان جاودانه بماند و جایگاهشان اعتلا یابد... از لوازم این زیارت آن است که زائر علاوه بر یادآوری جانفشانی‌های امام حسین(ع) در راه خداوند متعال، تعالیم دین حنیف از جمله نماز، حجاب، اصلاح، گذشت، بردباری و ادب و قوانین آمدوشد و دیگر مفاهیم پسندیده را رعایت نماید تا زیارتش گامی در مسیر تربیت نفس برای پذیرش این امور و تثبیت آثار آن تا زیارت‌های بعدی باشد. چنین است که شرکت در این مراسم به منزله حضور در مجالس تعلیم و تربیت امام(ع) خواهد شد... از خداوند متعال هم چنین مسئلت داریم که به زیارت ژان‌ار حضرت اباعبد... الحسین(ع) برکت دهد و آن را به بهترین نحوی که عمل بندگان صالح خویش را می‌پذیرد، قبول فرماید.

سایت رسمی آیت‌ا... سیستانی

غلط‌نویسیم

«در رابطه با»

ترکیب «در رابطه با» ترجمه اصطلاح انگلیسی (in relation to) است و بهتر است از آن استفاده نکنیم و به جای آن از ترکیب‌های درستی همچون «در باره»، «راجع به» «در مورد» استفاده کنیم. مثلاً: در رابطه با موضوع فرهنگ، بگوییم: در باره موضوع فرهنگ

در رابطه با سیاست، بگوییم: راجع به سیاست

در رابطه با دواج، بگوییم: در مورد از دواج

همچنین ترکیب «در این رابطه» که به جای آن نیز می‌توانیم بگوییم: «در این مورد» و «در این باره».

بر گرفته از کانال «زن قند پارسی»
علیرضا حیدری

حکایت

قضایوت‌ظاهر

بزرگی، نظر پارسی‌ای را در باره یکی از افراد که گویا بدنام بود، جویا شد. پارسا پاسخ داد: «وقتی هیچ کس از درون کس دیگری خبر ندارد چطور می‌توان با قاطعیت در مورد نیک‌و بد او نظر داد. من نمی‌توانم بنا به ظاهر قضایوت کنم چون گفته‌اند: بر ظاهرش عیب نمی‌بینم و در باطنش غیب نمی‌دانم.»

هر که را جامه پارسی‌بانی

پارسان او نیک‌مر داناگر

ور ندانی که در نهانش چیست

محتسب ا درون خانه چه کار؟

بر گرفته از «گلستان سعدی»

قرارمدار



اندکی صبر

فرصت

صدرا فیض

زمان چون برف می‌بارد

چه بازپچه‌است این دنیا!

بیافرصت غنیمت‌دان

به‌بازی گیر دنیا را

و آدم‌برفی‌ات را ساز

با چشمان بارانی...

پاسخ‌از مونهوش

دنیا به روایت تصویر



گتی‌ایمِج| بسته شدن جاده بعد از توفان، فرانسه

فتوشعر



دور دنیا

مردی که در مدت یک سال، ۴۵ هزار بار به پلیس زنگ زد!

آدیتی سنترال – مرد ۵۵ ساله اهل شهر استانبول در کشور ترکیه که دو سال است از همسر خود جدا شده است و تنها زندگی می‌کند، به جرم ۴۵ هزار بار تلفن زدن به پلیس در طول یک سال گذشته بازداشت شد! او به طور میانگین از ۱۵ می ۲۰۱۷ تا ۱۵ می ۲۰۱۸ روزی صد بار با پلیس تماس گرفته‌است و به‌جای گرفتن مشکلاتش، قصد صحبت و در دل کردن یا مامور پلیس را داشته‌است. این مرد ترکیه‌ای به پنج سال زندان محکوم شده‌است.

حیله‌عروس برای چاق کردن خواهرانش در شب عروسی

آدیتی سنترال – بیشتر دخترها دوست دارند در شب عروسی شان زیباتر از همه مهمان‌ها به نظر برسند، اما «پنی» دختر جوان استرالیایی تصمیم گرفت برای این که در شب عروسی از دو خواهرش زیباتر به نظر برسد، با نقشه‌ای هوشمندانه هر دو را چاق کند! او دو ماه مانده به عروسی هر روز صبح برای دو خواهرش که به گفته همه از اوزبیتار بودند، آب‌میوه‌هایی با پودرهای پروتئینی چاق‌کننده درست می‌کرد و این کار باعث اضافه‌وزن هر دو آن‌ها شد. او که در شب عروسی اش زیباتر از همه شده بود، بعد از مراسم عروسی به این کارش اعتراف کرد.

مریی دلسوز

آدیتی سنترال – «مایک هیند» نام یکی از معروف‌ترین مربیان ورزش در انگلیس است. او به تازگی پُرسی ۲۷ ساله را که با وزن ۲۵۴ کیلوگرم دچار چاقی مفرط است، برای کاهش وزن در یک سال زیر نظر گرفته‌است. «دیبسی» به دلیل اضافه‌وزن دچار مشکلات قلبی شده‌است و پزشکان به او گفته‌اند اگر رژیم نگیرد تا قبل از ۳۰ سالگی می‌میرد. مریی دلسوز هم برای این که هیچ‌کسی او را در رستوران و کافی‌شاپ‌اش راه ندهد، پوسترهایی از عکس او تهیه و در تمام رستوران‌های شهر نصب کرده‌است. او از همه خواسته‌است که این مرد را به رستوران‌شان راه‌نهند چرا که با خطر مرگ همراه‌است.

نیاز طنزی‌ها



سه‌نقطه



گاردین| محل بازیافت زباله، کنیا

تاپخند

● درسته کولر پر اید ز یاد سر دمنی کنه ولی قروبش برم یخاریش حسابی یخه!
● به‌نظر میسب زمینی سرخ کرده خیلی نامرده که در ظاهر زیاده‌ولی در باطن کم میشه!
● این دخترها که یک کمد عظیم لباس دارن و با سوال چی بپوشم درگیرن، من چند ترابایت فیلم دارم و هر روز با سوال «چی ببینم» درگیرم. آخرش هم با همون حالت قهر آلود «هیچی ندارم ببینم» در لب تاپ رو می‌بندم!
● بچه‌هایی که مغز مداد رو از بالایی مداد می‌اندختن داخلش، همین جوون‌هایی هستن که فلش رویه‌و از کامپیوتر می‌کشن بیرون!
● پنج دقیقه جادویی بعد از آلازم صبح شنبه هست که شما توانایی گرفتن سخت‌ترین تصمیم‌ها رو توش دارین. مثل گرفتن مرخصی، استعفا یا حتی خرد کردن ساعت!
● واقعا صبح‌ها آب‌پر تقال می‌خورید یا نیمرو عسلی؟! من یک بار صبح قهوه خوردم معده‌ام می‌می‌گفت تو خیلی با کلاس شدی، ناهار شیشلیک می‌خوام!
● همسایه مون خیابونپنر خریده که روش سم‌بز نه تا به عنوان تله برای موش‌های خونه شون استفاده کنه. پهنش گفتم اون پنیر و خیابرو بایک‌تکه بربری بده‌م‌ن، هر چند تا موش خواستی بگو تا زنده بگیرم و تحویل‌ت بدم!

مسابقه‌چی شده

خسبسته‌شدم...

سلام. این بار یک عکس کاملاً واقعی برای مسابقه انتخاب کردیم، ببینیم چه می‌کنید! فراموش نکنید پیامک‌های بدون اسم، بی‌نمک و کلیشه‌ای در مسابقه شرکت داده نمی‌ش.
یادآوری روش مسابقه: باید برای این عکس یک شرح حال با مزه بنویسید و تا ساعت ۲۴ فردا شب (دوشنبه) برای ما به پیامک ۰۹۹۹۲۰۰۰ یا شماره ۰۹۲۵۴۳۹۴۵۷۶ در تلگرام بفرستید. حتما در ابتدای هر پیامک، کلمه «چی شده؟» و در آخر پیامک هم نام و نام‌خانوادگی تون رو بنویسید. بانمک‌ترین و خلاقانه‌ترین جمله‌ها روز چهارشنبه به اسم خود نویسنده‌ها چاپ می‌شه. همیشه خوش باشید. چند مثال:
● «وقتی خسته از مدرسه می‌رسی خونه و می‌رسی ناهار چی داریم که مادر ت میگه آخ... بدو برو نون بخر!
● «وقتی ماه از نیمه می‌گذره و حقوق ته می‌کشه و کیفیت خالی می‌شه و آه در بساط نداری!
● «وقتی صدای پیام گوشت میاد و با ذوق بازش می‌کنی و می‌بینی شوهر عمه ات پیام تبریک روز پنج‌شنبه چهارم از دومین ماه سومین فصل سال رو فرستاده!

شعر طنز

هر کسی می‌خندد به من!

امیر حسین خوش‌حال | **اشعار و طنز پرداز**

آجر دیوار، می‌خندد به من
زار می‌گریز قیمت ماه‌ولی
یک تومن دارم برای از دواج
اول بازار، من می‌خندم
آن قدر خالی‌ست انبارم که شب
جمعه‌ها آن قدر می‌خواهم که خرس
فردبی مویی به من با غصه گفت:
زود می‌آیم سر کارم ولی
گر چه بی‌پولم به جایش صادق!
یک نفر آن بار بروضع گریست
شک ندارم سردبیر بخش‌مان

ترسانک

اتاق خالی مهمانپذیر

مرد و همسرش، بالاخره آخر شب به شهر رسیدند. ماجرای منحرف شدن‌شان از جاده حسابی خسته‌شان کرده بود. البته خدارا شکر می‌کردند که در نهایت خودشان و خودروشان آسیب جدی ندیده بودند. وقتی به شهر رسیدند آن قدر خسته بودند که جلوی اولین مهمانپذیر انتظار کسی نبود. می‌خواستند بروند که مرد لاغر اندامی آمد و خوش‌آمد گفت. در اتاق ۱۰۷ اقامت کردند و از خستگی زود خواب‌شان برد. نیمه شب با صدای دیوانه‌کننده کسی که به دیوار می‌کوبید از خواب بیدار شدند. مرد با اعصابی خرد شده شروع کرد به کوبیدن به دیوار اتاق بغلی تا جوابش را داده باشد. اما باور کردنی نبود؛ ساکنان اتاق ۱۰۸ ول کن قضیه نبودند. مرد با پذیرش تماس گرفت و خواستار رسیدگی به موضوع شد. اما مسئول پذیرش به او گفت که اتاق بغلی خالی است و چنین چیزی امکان ندارد. مرد وزن در حالی که از این شوخی بی‌مزه عصبانی بودند، پایین آمدند. مرد دو جوان جلوی پذیرش ایستاده بودند و از مزاحمت اهالی اتاق ۱۰۷ شاکی بودند. مسئول پذیرش داشت توضیح می‌داد که اتاق ۱۰۷ خالی است. هیچ‌کس به حرف مرد و همسرش گوش نمی‌داد، انگار دیده نمی‌شدند. میان آن سرو صدا توئی تلویزیون مجری خبر داشت می‌گفت: «نیمه شب گذشته یک دستگاه خودرو ترسیده به شهر از مسیر خارج شد و زن و شوهری که سر نشین آن بودند در دم جان باختند.»



کاور ایمِجز| کافه عروسی مخصوص جوجه تیغی‌ها، توکیو

تفال

صبا به لطف یگوآن غزال رعنار!
شکر فروش که عمرش در از باد چرا

دی‌روزنامه

وعده‌های انتخاباتی دانش‌آموزی

علیرضا کاردار | **طنز پرداز**

تا علاوه بر برگ‌راندن شهریه و هزینه کمک به مدرسه و پول تکثیر و... به شما، هر ماه مبلغی به عنوان کمک هزینه تحصیلی و پول توجیبی هم به همه دانش‌آموزان بدهم! «مسئله بعدی موردی است که بیشتر دانش‌آموزان با آن درگیر هستند و آن هم پوشیدن لباس فرم مدرسه و کوتاه کردن موی سر دانش‌آموزان پسر است. پس این چنین قول می‌دهیم: «اگر به من رای بدهید نه تنها لازم نیست موی سرتان را با نمره ۴ بزئید که حتی می‌توانید لباس مرد عنکبوتی و «الیسا» هم بپوشید!» مورد بعدی تکالیف و به اصطلاح مشق شب است. هرچند این روزها دیگر مدارس «کیف در مدرسه» شده‌اند ولی به هر حال می‌توان چنین قول داد: «با رای آوردن بنده، نه تنها تکالیف مدرسه حذف خواهد شد که حتی معلمان را مجبور می‌کنم به جای شما درسخوانند و خودشان هم امتحان بدهند و به شما نمره خیلی خوب بدهند!» قول بعدی باید تفریحی باشد، مثلاً: «به من رای بدهید تا هر زنگ تفریح در بوفه پیتزا و نوشابه رایگان توزیع کنم و اصلاً همه زنگ‌ها را زنگ تفریح می‌کنم!» نهایتاً وقتی همه رای آوردید و دیدید این لقمه‌هایی که برداشته‌اید قورت دادنی نیستند، بگویید خیلی دوست داشتم این وعده‌هایم را عملی کنم ولی متأسفانه نشد. و خلاص!

نیم دقیقه‌ای

صندلی سبک



زن و شوهری با هم دعوایشان شده کار به دادگاه کشیده بود. روز دادگاه، در اولین سوال قاضی از زن پرسید: «شما قبول می‌کنید که همسرتون رو با صندلی مورد ضرب و جرح قرار دادین؟» زن با خونسردی پاسخ داد: «بله آقای قاضی!» قاضی دوباره پرسید: «چرا همسرتون رو با صندلی زدین؟» زن با عصبانیت پاسخ داد: «آخه میز خیلی سنگین بود و زورم ترسید از جا بلندش کنم!»

ترجمه و تصویرسازی: فرنگیس یاقوتی، سعید مرادی

ماوشما

راه ارتباطی با ما: پیامک ۰۹۹۹۲۰۰۰ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

هنوز پیاده روی می‌کنی یا خسته شدی؟ خسته نبش!
آق کمال: مو که از اول هم رو فرم بودم، فقط یگ خورده استقون بندیدم درشت بود که اویم دست خودم نیست، بری همی زود خسته‌مرم و منتتم‌ماشین به‌ازم کنار!
● همسر عزیزم سارا جان، تولدت مبارک.
● **مجتبی**
● پرونده ترسانک و اسرارآمیز خیلی خوب بود. من عاشق این طور سرگذشت‌ها هستم.
● برای همین از ستون ترسانک هم خوشم میاد. لطفاً بیشتر از این دست مطالب منتشر کنید.
● **پیام صرفه جویی:** برای صرفه جویی در مصرف سوخت، کم کردن آلودگی هوا و مراقبت کردن از سلامتی و جیب‌تان، دو روز در هفته به خودروی‌تان استراحت بدهید!

آزمون‌هوش

تشخیص سن

سوال: امروز تولد پسر عمه‌ام بود. اگر ارقام سنش رو جا به جا کنیم، دو برابر سن سال آینده‌اش به دست میاد. الان چند سالشه؟

مار پیچ (سختی ۵۰)

